



پری نرفته رخ و دیو در کر شمه حسن
بسوخت دیدن ز حیرت که این چه پوالمجبی ست

صفحه از: علیرضا بهرامی

■ همشهری آنلاین: www.hamshahronline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

■ صاحب امتیاز:
مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار
■ دبیر تحریریه:
شهرام فرهنگتی
■ معاونان سر دبیر:
علی عمادی، شاهین امین
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر بهیاپور
■ سیاسی و دیپلماتیک:
مدیر: حسین راجلو
■ شهرنگار:
مدیر: پروانه بهرام پزاد
دبیر: مریم باقرپور
■ اقتصاد:
مدیر: حسین لطفی
مدیر: مریم موسی پور
■ تماشگر:
مدیر: امیر محمد یعقوب پور
مدیر: لیلی خرسند
■ گزارش:
مدیر: فهدیه طباطبائی

■ سرزمین من:
مدیر: سید زهرا عباسی
دبیر: زهرا ربیعی
■ جامعه:
مدیر: سعید میر
دبیر: طاهره عسکری نیا
■ ورزش:
مدیر: جواد نصرتی
دبیر: مریم سرخوش
■ سرخ:
مدیر: جواد عزیزی
مدیر: محمد جعفری
■ دانستنیها:
مدیر: ساسان شادمان
دبیر: زهرا حاجی

■ سردبیر آنلاین:
اسماعیل سلطنت پور
■ معاونان آنلاین:
مجتبی صادقی
کامران یارنجی، حامد فوقانی
■ مدیر فضای مجازی:
زهرا سادات بهشتی
■ مدیر پیش زنده:
امیر حسین محمد دوست
■ مدیر تولید تلویزیون:
الهه سادات بهشتی

سوءه روز

رستگاری بانار



سیدسروش طباطبایی پور | روزنامه نگار | خاطرات
یک شهر را تنها آدم‌ها، کوچه‌ها، خیابان‌ها، پل‌ها، کافه‌ها، رستوران‌ها و خانه‌ها و آسمان‌خراش‌هایش نمی‌سازند؛ گاهی درخت‌ها هم هویت یک شهرند و در شکل‌گیری خاطره جمعی از کردستان و شیراز و یزد و اصفهان نقشی مؤثر دارند. تهران دوست‌داشتنی‌هم از این قاعده مستثنی نیست. توت‌های سنگلج و ششاپور، خرما لوه‌های سوهانک و کن و گروهای انبوه در بند و توچال را تهرانی‌های قدیمی هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنند و بارها از طعم بهشتی‌شان چشیده‌اند و هزار هزار خاطره دلچسپ‌شان زیر همین درخت‌های پر بار شکل گرفته است. البته در طول قرن‌ها این درخت‌های با معرفت با همه بی‌ای و نامهربانی و آلودگی‌های شهر می‌کنند؛ اما آن قدر زنان و مردان این شهر سر به زیر شده‌اند و حواس مبارکشان در گوشی‌های سیب‌گاز زده و هلوها و توت‌های سیاه است که دیگر حتی نگاهشان هم به انارها و سیب‌ها و توت‌های واقعی شهر نمی‌افتد.

نمونه‌اش همین چند روز پیش سر ارم سبز شد. صبح زود، وقتی که خورشید تازه از خواب ناز بر خاسته بود، عیاران و خودروهای بی‌شماری از خیابانی در محله هروی تهران عبور می‌کردند و هی بوق و سوت می‌زدند تا راه بگیرند و هر چه زودتر به مقصد صبحگاهی‌شان برسند؛ غافل از اینکه اناری قرمز و خندان، بالای سر شان ایستاده بود و سخاوتمندانه با قوت‌هایش را به رهگذران تعارف می‌کرد؛ با قوت‌های سرخی که طعم بهشت می‌دادند و حتی اگر کسی نگاهش به آنها گره می‌خورد روزش ساخته می‌شد!

حتی انار قصه من، در همان چند دقیقه‌ای که مهمانش بودم، می‌بر باد پاییزی سوار می‌شد و بالا و پایین می‌برد که یعنی آقا، خانم، لطفاً مرا بچینید و ببوسید و ببوییدم تا رستگار شوم! اما زنان و مردان شهر من، همچنان سر به زیرند و رستگاری را در گوشی‌های تلفن همراه و شبکه‌های مجازی خود می‌بینند، نه در انارهای ملس شهر!

دور دنیا

گران ترین همبرگر جهان



در دنیای رقابتی امروز برخی برندها از شیوه‌هایی عجیب و غریب و غیر متعارف برای جلب توجه و بازاریابی محصولات خود استفاده می‌کنند. مثلاً این روزها رستورانی در اسپانیا که گران‌ترین و انحصاری‌ترین همبرگر جهان را سرو می‌کند از شیوه‌ای عجیب برای فروش محصول خود استفاده کرده است. خلاصه این شیوه این است: «هر چه دست‌نیافتنی‌تر، فروش بیشتر!» قیمت همبرگر این رستوران با مبلغ خیره‌کننده ۱۱ هزار دلار عرضه می‌شود؛ امانه برای همه! تنها برای کسانی که از سوی همان رستوران دعوت‌نامه داشته باشند!

با وجود افزایش قیمت بر گرهار در سال‌های اخیر، این غذا همچنان یکی از گزینیه‌های مقرون به صرفه در منوی رستوران‌ها محسوب می‌شود، اما همانطور که گفتیم استثنائاتی هم وجود دارد؛ همبرگر ۱۱ هزار دلاری! در واقع همین قیمت بالا باعث می‌شود بسیاری نتوانند طعم این همبرگر لاکچری را بچشند و اندک کسانی که از نظر مالی شرایطش را دارند هم باید شرط دیگری را هم احراز کنند: دعوت از سوی رستوران! و همین موضوع مشتری‌های این رستوران لاکچری را محدود و محدودتر می‌کند.

البته این اثر منحصربه‌فرد حاصل ۸ سال تحقیق و آزمایش سراسر این رستوران در ایالت کاتالونیای اسپانیاست؛ اما چون ترکیباتی محرمانه دارد کارشناسان به‌طور دقیق نمی‌توانند تشخیص دهند که دلیل گرانی آن چیست. طبق گفته‌ها قیمت بالای آن نه به‌خاطر استفاده از طلای خوراکی یا دیگر مواد زینتی و گران است و شما این مبلغ را برای کیفیت صرف‌ای غذا در آن رستوران پرداخت می‌کنید.

یک سرآشپز و اینفلوئنسر اسپانیایی در حوزه آشپزی که این رستوران را تأسیس کرده و معتقد است تجمل نباید پرسروصدا باشد؛ بلکه باید دست‌نیافتنی باشد؛ به گفته او، حتی داشتن ثروت فراوان نیز برای تجربه این همبرگر کافی نیست؛ تنها افراد منتخب با دعوت‌نامه رسمی می‌توانند آن را امتحان کنند. در وبسایت رسمی رستوران آمده است: «این تجربه فقط با دعوت‌نامه امکان‌پذیر است. در منو وجود ندارد. رزرو ممکن نیست. فقط افراد منتخب اجازه تجربه آن را دارند. اگر فکر می‌کنید باید در فهرست باشید، می‌توانید درخواست دهید و در خواست شما بررسی خواهد شد.»

هرکجا هستی آفتاب همان جاست

تصویرهایی جالب از استاد محمدرضا شفیعی کدکنی به مناسبت زادروزش

فاطمه عباسی | روزنامه‌نگار | اگر زبان فارسی یک سرزمین بود، محمدرضا شفیعی کدکنی آن جهانگرد خستگی‌ناپذیری است که تمام راه‌های رفته و نرفته‌اش را با وسواس یک نقشه‌بردار باستانی ثبت کرده است. او نه فقط مسافر این سرزمین که خود بخشی از خاک و هویت آن است؛ ریشه‌هایش در خراسان عطار و خیام تنیده و شاخه‌هایش، بر سر تعداد زیادی از کسانی که امروز در کوچه‌باغ‌های شعر فارسی قدم می‌زنند، سایه افکنده است. سفر او از کوچه‌باغ‌های کدکن و حوزه علمیه خراسان تا کرسی استادی ادبیات فارسی، روایتی است از عشق بی‌وقفه به کلمه. او برای یک نسل، صدای بغض‌آلود شعر است که می‌خواند «به کجا چنین شتابان؟» و برای نسل دیگر، دست استادی است که غبار قرن‌ها را از روی چهره «اسرارالتوحید» و «منطق‌الطیر» پاک می‌کند. اما این دو، تنها دو روی یک سکه نیستند؛ بلکه دو بال برنده‌ای هستند که در آسمان وسیع فرهنگ



● بازگشت به کوچه‌های کودکی: استاد در کنار محمد عبداللہیان، همبازی دوران خردسالی در کدکن.



● آغاز راه از حجره‌های مشهد: تصویری تاریخی از استاد شفیعی کدکنی در جامعه طبلیک.



● رفاقت دو سرو شعر پارسی: استاد شفیعی کدکنی در کنار یار دیرین، امیر هوشنگ ابتهاج (سایه).



● مثلثی از ۳ شاعر معاصر ایران در یک قاب: دیدار تاریخی استادان شفیعی کدکنی، شهریار و هوشنگ ابتهاج (سایه).



● سه‌شنبه‌های شلوغ و معروف کلاس استاد شفیعی کدکنی.



● تلاقی دو اقیانوس اندیشه: استاد شفیعی کدکنی در کنار نجف دریابندری، غول ترجمه و نشر معاصر ایران.



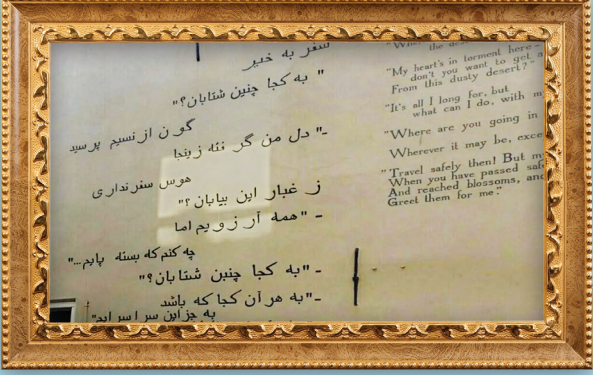
● استاد شفیعی کدکنی در کنار ایرج افشار، بهرام بیضایی، پرویز مشکاتیان و هوشنگ ابتهاج



● همنشینی شعر و روایت: استاد شفیعی کدکنی و محمود دولت‌آبادی، دو ستون سترگ ادبیات معاصر ایران.



● هم‌نسلان و هم‌تباران خراسانی: قایم‌کار از جوانی استاد در کنار مهدی اخوان ثالث (م.امید).



● شعر سفر به خبر به دو زبان فارسی و انگلیسی: بر دیوار شهر لیدن هلند

یادداشت

ایران و اندونزی؛ در سایه‌سار آینده‌ای روشن



رویان‌شاه سومیرات | سفیر اندونزی در ایران | زمانی که توسط رئیس‌جمهور برابوو سوپیان‌تو به‌عنوان سفیر اندونزی در ایران منصوب شدم، پیامی که در یافت کردم واضح بود: پیشبرد روابط اندونزی و ایران در تمام زمینه‌ها و هدایت منافع متقابل هر دو کشور در بحبوحه وضعیت حساس ژئوپلیتیکی. من به این هدف معتقدم، به‌مزایایی که برای هر دو کشور به‌همراه خواهد داشت، و به این باور دارم که اندونزی و ایران قدرت‌های منطقه‌ای نوظهوری هستند که همکاری آنها باید از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

نزدیک‌تر از آنچه امروز است باشد. اندونزی رسماً در ژانویه ۲۰۲۵ به‌عنوان عضو کامل به بریکس پیوست و به نخستین کشور جنوب‌شرقی آسیا در این گروه تبدیل شد و به عضویت خود در سازمان‌های تجارت جهانی، جنبش عدم تعهد، سازمان همکاری اسلامی و گروه ۸ کشور اسلامی در حال توسعه افزود. هر دو کشور اکنون در کنار قدرت‌های بزرگی مانند چین، روسیه و هند به بریکس تعلق دارند. این عضویت هر دو کشور را قادر می‌سازد تا اصلاحات در حکومت جهانی را همسو با منافع اندونزی و ایران دنبال کنند و – بگذارید فقط بخش آرام‌رام را صدامت بلند بگویم – گزینیه‌های خود را خارج از نهاد‌های تحت سلطه غرب گسترش بخشند.

در طول جنگ ۱۲ روزه، اندونزی نه تنها حمله غیرقانونی اسرائیل به ایران را محکوم کرد، بلکه ما متعهد به بازگشایی سفارت خود نیز بودیم و اعتماد خود را به توانایی ایران در محافظت از اتباع باقیمانده‌مان، از جمله هیات‌های دیپلماتیک، نشان دادیم. از نظر سیاسی، ایران در حال گذر از یک گذار پیچیده است و در عین حال به‌دنبال همکاری‌های گسترده در سطح جهانی است. من معتقدم که اهمیت همکاری بین اندونزی و ایران از ۳ جنبه واجد اهمیت است:

- حمایت متقابل برای ایجاد صلح و ثبات در سطح بین‌المللی
- مزایای استراتژیک اقتصادی و فناوری
- از منظر فرهنگی هر دو کشور صدای تأثیرگذاری در جهان اسلام دارند.



هویت مشترک اسلامی اندونزی و ایران اغلب موضع ما را در مجامع چندجانبه شکل می‌دهد. هر دو کشور همواره در موضوعات گوناگون به‌ویژه در مسئله فلسطین از یک‌دیگر حمایت می‌کنند. کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و جلسه مجمع عمومی سازمان ملل که چند هفته پیش برگزار شد، تلاش کرد که ضرورت همکاری و هم‌افزایی در مواجهه با چالش‌ها را به‌منظور ایجاد صلح پایدار در منطقه نشان دهد. من امیدوارم که اندونزی بتواند نقش خود را چه به‌صورت جداگانه و چه از طریق آسه آن ایفا کند. از آنجاکه آسه آن اجلاس خود را در ماه اکتبر به‌ریاست مالزی برگزار خواهد کرد، ما تلاش خواهیم کرد که بحث و دیپلماسی را در اولویت قرار دهیم. این لحظه‌ای حیاتی در تاریخ برای آسه آن و شرکای گفت‌وگوی آن است که بسیاری از آنها در تحولات اخیر در سراسر جهان دخیلند. اندونزی و ایران هر دو سهم خود را ایفا و در این فرایند مطمئناً از تلاش‌های یک‌دیگر حمایت خواهند کرد. ما همچنین معتقدیم که چندجانبه‌گرایی با تمام نواقضش، همچنان مسیر عملی برای آینده است. زیرامیج کشوری نمی‌تواند به‌تنهایی روی پای خود بایستد. ما امروز با چالش‌هایی مواجهیم که ضرورت ایجاد سیستمی مقاوم‌تر، نماینده‌تر و پاسخگو‌تر نسبت به همه و نه تنها نسبت به عده‌ای محدود را بر جسته می‌کند. جنگ‌ها، نابرابری اقتصادی، تغییرات اقلیمی و پیشرفت‌های فناوری مانند هوش مصنوعی تنها چند مورد از مسائلی هستند که در میان بسیاری دیگر می‌توان آنها را به‌عنوان چالش‌های جهانی حل کرد. به همین دلیل است که باید توسعه اخیر در نهاد‌های چندجانبه را – به‌عنوان امری دائمی، بلکه به‌عنوان فرصتی برای احیای آنها ببینیم؛ به‌عنوان یادآوری اینکه همانطور که چالش‌های جهانی در حال تکامل هستند، نهاد‌هایی که امیدوارند بر آنها غلبه کنند نیز باید تکامل یابند.

از نظر اقتصادی، پیوستن اندونزی به بریکس ناگزیر بر ما را به ایران نزدیک‌تر می‌کند و ما از دست‌های باز ایران در پذیرش در خواستمان قدر دانی می‌کنیم. بریکس برای من فقط به‌عنوان بستری برای تأثیرگذاری بر ثبات منطقه‌ای و تغییر شکل چشم‌انداز ژئوپلیتیکی («رقیب سیاسی» که بسیاری از رسانه‌های غربی ممکن است به‌تصور بکشند) عمل نمی‌کند. من فکر می‌کنم بریکس همچنین نما‌بانگر روحیه و تمایل به «تنوع‌بخشی» به سیستم مالی جهانی و فراگیر تر شدن آن نسبت به کشورهای در حال توسعه است. بریکس دسترسی به بانک توسعه جدید را فراهم می‌کند که مطمئناً هنوز در مقایسه با مکانیسم تأمین مالی موجود مانند بانک توسعه آسیایی یا بانک

از ساخته و سرمایه‌گذاری آسیا

چیزی برای اثبات دارد، اما با توجه به حمایت اعضای آن، اندونزی به پتانسیل آن برای تحقق باور دارد.

ادامه در صفحه ۱۲